

عوامل زمینه ساز فرار دختران از خانه

دکتر سید محمود میر زمانی^۱، روح انگیز کادوی^۲، دکتر محمد علی بشارت^۳

چکیده:

به منظور اطلاع از زمینه های مرتبط با فرار دختران از خانه ۷۵ نفر از دختران گریزان از خانه مورد بررسی قرار گرفتند. تمامی این افراد در مراکز دولتی و تحت حمایت های دولت قرار داشتند. نتایج مصاحبه با این افراد نشان داد که: مشکلات خانوادگی از جمله درگیریها و تنشهای موجود در خانواده، طلاق والدین، نداشتن سرپرست یا بدسرپرستی، پرجمعیت بودن خانواده، مهاجرت از شهرستان به تهران، عدم آگاهی و بی بهره بودن از ضریب هوشی بالا باعث انتخاب فرار از خانه به عنوان راه حل مشکلات آنها بوده است. متأسفانه سن اولین فرار دختران از خانه به ۱۲ سال کاهش یافته است. بیشترین میزان فرارها بین ۱۶ تا ۱۹ سالگی به وقوع می پیوندد.

واژگان کلیدی: فرار، عوامل زمینه ساز فرار از خانه

مقدمه:

تراکم فزاینده جمعیت، وسائل نقلیه و آلودگی صوتی و هوا، نشانه مهاجرت و هجوم بی رویه از نقاط کم جمعیت شهری و روستایی به این شهرهاست، و اینها همه نشانه هایی از آغاز معضلات غیرقابل تحمل آنها است. مسئله فرار زنان و دختران همراه با سایر معضلات و آسیبهای اجتماعی

چهره امروز شهرهای بزرگ کشورمان گرچه ظاهراً گویای تغییرات چشمگیری به سمت آبادانی، افزایش تسهیلات شهروندی، گسترده گی زیباسازی فیزیکی و توسعه شهری و خدمات مربوط به آن است. ولی از سوی دیگر نیز

۱- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
 ۲- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، کارشناس آسیبهای اجتماعی بهزیستی استان تهران
 ۳- روانشناس بالینی، دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

شد. آشفتگی‌های خانوادگی، مسائل فرهنگی و منطقه‌ای نیز مشاهده شد. این دختران نوعی همسانی در رفتار خود با یکدیگر نشان می‌دادند. در تمامی موارد لزوم خانواده درمانی احساس می‌گردید (ریلی، ۱۹۷۸).

بیلزه تحقیقی توصیفی در مورد ۱۲۰ دختر نوجوان نیازمند به حمایت که موقتا از حیطة مراقبت والدین خارج شده بودند انجام داد. این تحقیق توصیفی سئوالات زیادی را در مورد استراتژی مراقبتهای دوران نوجوانی برانگیخت. دختران مورد نظر غالبا قربانی طرد والدین، سوءاستفاده و محرومیت بوده‌اند. در ایران در سال ۱۳۷۴ صوفی تحقیقی بر روی دختران ۲۹-۱۶ ساله مراکز بازپروری تهران انجام داد. نتایج نشان داد این دختران از سطح سلامت روانی بالایی برخوردار نبودند (صوفی، ۱۳۷۴). همچنین تحقیقی با عنوان

درسالهای اخیر با رشد شهرهای بزرگ بالاخص شهر تهران مورد توجه کارشناسان، متخصصان علوم انسانی و مسئولین مملکتی قرار گرفته است. پژوهشگران این پروژه تحقیقاتی، به دلیل ارتباط شغلی خود با موضوع فرار نوجوانان و ارتباط با مراکز دختران فراری تحت پوشش سازمان بهزیستی استان تهران و مشاهده عینی و پیگیری پی آمدهای خانوادگی، اجتماعی و فردی که گریبانگیر این گروه می‌باشد. بر آن شدند که به بررسی علل فرار دختران در این مراکز بپردازند. پژوهش فعلی به بررسی ویژگیهای افراد ساکن در مراکز حمایتی و بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی و در معرض آسیب اجتماعی بهزیستی استان تهران پرداخته است.

تاریخچه و پیشینه پژوهش

"علل بزهکاری نوجوان" توسط انجمن اولیاء و مربیان در سال ۱۳۶۵ انجام شده است. ۵۰٪ از جامعه آماری در این تحقیق سابقه فرار از خانه داشته‌اند. ۵۶٪ از آنان پدرانی با مشاغل آزاد داشتند (روح.ا. . . زاده صومعه سرایی، ۱۳۷۹). نتایج این تحقیق نشان داد که فرار از خانه با بزهکاری ارتباط دارد، همچنین نشان داد که والدین با مشاغل آزاد به علت نداشتن فرصت کافی جهت کنترل، ایجاد ارتباط و سرکشی به مدرسه، فرزندانشان بیشتر به فرار از خانه و بزهکاری

ریلی^۱ در سال ۱۹۷۸ تحقیقی در بوستون انجام داد. این تحقیق بر روی ۵۰ دختر فراری انجام شد. این پنجاه دختران توسط پلیس دستگیر شده بودند که از طریق مصاحبه روانپزشکی مورد مطالعه قرار گرفتند. هدف تحقیق بررسی علل فرار بود. در این تحقیق علاوه بر دختران با والدین آنان نیز مصاحبه شد. این مطالعه نشان داد که آثاری از جنون و عقب ماندگی ذهنی در این دخترها وجود ندارد. در بررسی علل، عامل مشترک مسائل جنسی در همه آنها دیده

درون خانواده را به عنوان عاملی در تصمیم‌گیری برای فرار یاد کرده‌اند. همچنین بیشتر این نوجوانان دارای احساس حقارت و خودپنداری منفی و احساس ناایمنی بودند (مظلومی ۱۳۷۳). شهره وفایی تحقیقی با عنوان بررسی علل فرار دختران از خانه در سال ۱۳۵۳ انجام داده است یافته‌های این تحقیق نشان داد که بسیاری از دختران فراری به دلایلی مجبور هستند با ناپدری و نامادری و یا تحت سرپرستی دیگران زندگی کنند. تحت این شرایط علاوه بر ستمگری و کج خلقی سرپرستان، وضعیت خود دختران نیز فشارهای جسمی و روانی زیادی را برای آنها ایجاد می‌کند. همچنین فقر اقتصادی و تنش‌های خانوادگی باعث فرار دختران نوجوان از خانه می‌شود. سن این دختران بین ۱۲-۱۵ سال بودند و ۲۳٪ آنها دارای پدر و مادر بوده‌اند (وفایی، ۱۳۵۳). تحقیق دیگری تحت عنوان بررسی علل فرار نوجوانان از خانه توسط محمد سعیدی در سال ۱۳۷۲ انجام شده است. در این پژوهش، محقق سعی کرده است تا با مقایسه پاسخ‌های دو گروه ۶۰ نفره در مقطع سنی بین ۱۲ تا ۱۸ ساله علل و عوامل فرار نوجوانان از خانه را تبیین نماید. ابزار پژوهش در این تحقیق، مصاحبه و مشاهده و پرسشنامه بوده است. یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که نابسامانی خانواده، سردی روابط عاطفی والدین، متارکه و طلاق، وجود ناپدری

روی می‌آورند. در پژوهشی تحت عنوان "علل انحراف اخلاقی و فرار نوجوانان دختر" که توسط انجمن اولیاء و مربیان در سال ۱۳۶۵ در کانور، اصلاح و تربیت انجام شد محققین نتیجه گرفتند که: متوسط سن فرار ۱۶ سال بوده، و مهمترین عامل فرار دختران اختلافات شدید خانوادگی و عاشق شدن دختران بوده است. اکثر دختران چندین بار سابقه فرار داشته‌اند. تغییر شرایط خانواده و وسوسه دوستان پس از عدم پذیرش از سوی خانواده و بروز مشکلات جدید از دیگر عوامل اقدام به فرار دختران بوده است. اغلب دختران هنگام فرار همراه داشته‌اند (کسی همراه آنها بوده است). اکثر اتمایلی برای بازگشت به خانه نداشته‌اند (انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۶۵). نتایج تحقیق دیگری توسط فهیمه مظلومی که در سال ۱۳۷۳ تحت عنوان بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، در سمپوزیوم جایگاه تربیت، ارائه شده است حاکی از ترس، خشم، یاس، انتقام‌جویی در مقابل عوامل آشفتگی و بی‌انگیزگی هم‌ریختگی خانواده، اعتراض به بی‌عدالتی در درون خانواده و مدرسه و بعضاً اعمالی است که از روی شیطنت و ناپختگی صورت می‌گیرد که موجب می‌شود نوجوانان برای مدتی هرچند کوتاه، شاید مکانهای دیگری را به مانند درخانه ترجیح دهد. بیشترین درصد شامل کسانی می‌شود که از اختلالات شدید خانوادگی، فقدان یکی از والدین، آشفتگی‌های

ویا نامادری، فقر فرهنگی، بیسوادی و اعتیاد از مهمترین عوامل تمایل به فرار نوجوانان بوده است. (سعیدی، ۱۳۷۳)، در بعضی از تحقیقات خارجی هم به علل فرار دختران اشاره شده است. برای نمونه نتایج تحقیق کاپادیا^۱ (۱۹۷۲) در شهر بمبئی که بر روی ۳۰۰ نوجوان حاضر در کانون اصلاح و تربیت انجام شده است، نشان می‌دهد که ۴/۷۱٪ پسران و ۸/۵۷٪ دختران نوجوان فراری از خانه به دلیل بدرفتاری والدین یا سوء رفتار ناپدری و نامادری از خانه فرار کرده‌اند. ۳/۴۳٪ پسران و ۷/۲۶٪ دختران برای ارضاء حس کنجکاری خویش و دیدن نقاط فریبنده شهری که در فیلمها وجود داشته‌اند از خانه فرار کرده‌اند. ۶/۱٪ پسران و ۲/۲٪ دختران از کار در خانه گریخته‌اند. ۲٪ پسران به دلیل شکست تحصیل و ترس از تنبیه والدین از خانه گریخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۷/۵۴٪ از پدران نوجوانان فراری بی‌سواد و یا کم‌سواد بوده‌اند. ۳/۲۱٪ تحصیلات ابتدایی داشتند و تنها درصد کمی یعنی ۱۵٪ تحصیلات بالاتر از ابتدایی داشتند و این خود، رابطه تحصیلات والدین و فرار نوجوانان را نشان می‌دهد. همین پژوهش نشان می‌دهد که درصد بالایی از این نوجوانان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. استیفمن^۲ (۱۹۸۹) در تحقیقی بر روی ۲۹۱ نوجوان فراری ۱۲ تا ۱۸ ساله در واشنگتن به این نتیجه رسید که اکثر

فراریان در خانه با مشکلاتی چون اعتیاد والدین و شخصیت ضد اجتماعی روبه‌رو بوده‌اند. همچنین این پژوهش نشان داد که نوجوانان فراری عموماً مقدار زیادی تجارب ناگوار در زندگی خود داشته‌اند. به علاوه این تحقیق تأیید کرده است که اکثر نوجوانان فراری مورد سوء استفاده جسمی و جنسی قرار گرفته‌اند. پژوهش مذکور از جوانب مختلف پدیده فرار از خانه را بررسی کرده است که بعضاً با توجه به اینکه در فرهنگ‌های دیگری انجام شده است. قابل تعمیم به فرهنگ ایران نمی‌باشد. در تحقیق حاضر سعی بر این است که زمینه‌های خانوادگی و عوامل مهم مؤثر در بروز این پدیده را از سوی دختران فراری مورد بررسی قرارگیرد.

روش:

نمونه پژوهش شامل ۷۵ نفر از زنان و دختران فراری‌اند که در مقطع زمانی جمع‌آوری اطلاعات در مراکز بازپروری سازمان بهزیستی استان تهران ساکن بودند.

ابزار پژوهش:

ابزار پژوهش مورد استفاده در این پژوهش عبارت است از یک پرسشنامه ساختار یافته که توسط محققین ساخته شده است. این پرسشنامه حاوی صد و بیست سؤال شامل اطلاعات فردی، خانوادگی و اجتماعی است که به صورت مصاحبه انجام شده است. ضمناً به نتایج تست‌های

نتایج:

موارد زیر از ویژگیهای برجسته این دختران بودند:

- ۱) میانگین سن آنها ۲۰/۷ سال ($SD=۶/۵$) بوده و سن اولین فرار آنها از خانه بین ۱۲ تا ۳۰ سال بوده است. میانگین اولین سن فرار در این گروه از آزمودنی‌ها ۱۶/۰۷ سالگی بود. جدول یک برخی از ویژگیهای سنی آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که ۳۴ نفر از آزمودنیها (۴۵/۳) بین ۱۶ تا ۱۹ ساله بودند.

۲) والدین آنان معمولاً از سطح تحصیلات پائینی برخوردار بود. بطور متوسط تحصیلات پدر آنها در حد راهنمایی و مادر آنها در حد ابتدایی بود.

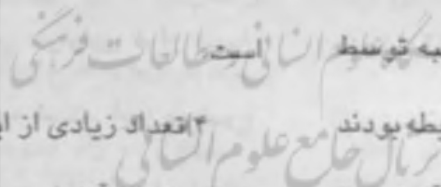
۳) این دختران معمولاً از خانواده‌های پرجمعیت بودند. بطور متوسط تعداد خواهران و برادران آنان بین ۳ تا ۴ نفر بوده و بطور متوسط منزل آنان دارای ۳ اتاق خواب بوده و در مرکز و تمامی ورودیهای جدید بودند. صاحبخانه توسط همکار پروژه که مؤنث و از افراد با تجربه در این رابطه بودند انجام شده است. پس از تدوین پرسشنامه و تأیید آن توسط سه نفر از متخصصین روانشناسی، ابتدا ده آزمودنی جهت اجرای pilot study مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این مرحله مصاحبه و روش اجرا مورد ارزیابی قرار گرفت و پس از رفع معایب کار ادامه یافت.

۵) میانگین ضریب هوشی این دختران حدود ۸۸ بود.

۶) ۱۴ نفر (۱۸/۷٪) از آنها با پدر خود و ۷ نفر (۹/۳٪) از آنها با برادر خود درگیری داشتند.

روانشناختی انجام شده و پرونده آزمودنی‌ها نیز مراجعه و از اطلاعات آنها نیز بهره‌برداری شده است.

هدف از انجام این پژوهش بررسی ویژگیهای دخترانی است که به دلایل مختلف خانه و خانواده را ترک کرده و در مراکز وابسته به دولت زندگی می‌کنند. به این منظور ابتدا کل افراد حاضر در مراکز وابسته به سازمان بهزیستی استان تهران (مراکز امیدوار، ارشاد و اصف) به همکاری با این پروژه دعوت شدند. در مجموع هفتاد و پنج نفر با این پروژه همکاری نمودند، پنج نفر نیز راضی به مصاحبه نشدند و تعداد شش نفر اطلاعات مشکوک ارائه دادند. روش انجام آزمون به صورت مصاحبه بود. قبل از انجام مصاحبه به آزمودنی‌ها توضیح داده می‌شد که با محقق در اجرای یک طرح پژوهشی همکاری می‌کنند. سئوالات به ترتیب برای آزمودنی‌ها خوانده می‌شد. آزمودنی‌ها کل افراد موجود در مرکز و تمامی ورودیهای جدید بودند. صاحبخانه توسط همکار پروژه که مؤنث و از افراد با تجربه در این رابطه بودند انجام شده است. پس از تدوین پرسشنامه و تأیید آن توسط سه نفر از متخصصین روانشناسی، ابتدا ده آزمودنی جهت اجرای pilot study مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این مرحله مصاحبه و روش اجرا مورد ارزیابی قرار گرفت و پس از رفع معایب کار ادامه یافت.



۶۳(۷) نفر (۸۴٪) از آنها هرگز از مراکز نگهداری فرار

نکرده‌اند.

۳۵(۸) نفر (۵۰٪) از آنها از شهرستان به تهران

مهاجرت کرده‌اند (و البته بسیاری از آنها در مورد اینکه آیا به تهران مهاجرت کرده‌اند یا نه هیچگونه اطلاعاتی نداده‌اند)

۲۰ نفر از همین تعداد مهاجر به تهران بدون خانواده به تهران

مهاجرت کرده‌اند. به عبارت دیگر تهران پذیرای دختران

فراری از شهرستان نیز می‌باشد.

۱۷(۹) نفر (۲۲/۷٪) از دختران فراری اظهار نموده‌اند

والدینشان به دلایل مختلف از هم جدا شده‌اند و ۱۶ نفر

(۲۵٪) از آنهایی که والدینشان با هم زندگی می‌کنند اظهار

نموده‌اند والدین آنها با هم رابطه بدی دارند.

بحث و نتایج:

از نتایج بدست آمده می‌توان اینطور برداشت کرد که

متأسفانه سن دختران مورد بررسی در اولین فرار بسیار

پائین است و در حد ۱۵ سال بوده است. این موضوع

می‌تواند زنگ خطری برای مسئولین و خانواده‌های ایرانی

باشد. جا دارد مشکلات دختران در این سنین مورد توجه

ویژه قرار گیرد. جالب توجه آنکه معمولاً این دختران

از خانواده‌های پرجمعیت بوده‌اند. هرچند به نظر می‌رسد

امکانات خانوادگی از جمله وسعت و فضای کافی در خانواده

مهیا بوده است ولی پرجمعیت بودن خانواده علی‌الظاهر

نقش مهمی در آشفتگی خانواده و در نهایت فرار دختران

از خانه داشته است. البته به نظر می‌رسد پائین بودن سطح

تحصیلات والدین، محرومیت از نعمت یکی از والدین (و

گاهی هردو) از عواملی است که در این دختران فراوان است.

احتمالاً هوش در خودداری این دختران در فرار از خانه

می‌توانست مؤثر باشد. میانگین هوشی این دختران حدود

۸۸ بوده است شاید اگر اینها از هوشی بالاتری برخوردار

بودند کمتر مرتکب فرار از خانه می‌شدند زیرا افراد باهوش

معمولاً راههای بهتری را برای مواجهه با مشکلات خود

پیدا می‌کنند. بدیهی است که درگیریها و مشکلات درون

خانواده می‌تواند در فرار آنها از خانه مؤثر باشد. با

نگاهی به نتایج بدست آمده می‌توان مشاهده کرد که بطور

میانگین این دختران بیش از ۳ خواهر و برادر داشته‌اند.

حدود ۲۰٪ آنها با پدر یا برادر خود درگیر بوده‌اند. ۲۲/۷٪

از این دختران فرزندان طلاق هستند و تنها ۲۵٪ از این دختران

اظهار داشته‌اند که والدین آنها با هم زندگی می‌کنند و والدین

بقیه آنها به گونه‌ای از هم جدا زندگی می‌کنند هرچند طلاق

نگرفته باشند. بهرحال مجموعه این موارد در دخترانی دیده

می‌شود که ۸۴٪ از آنها پس از سکونت در مراکز بازپروری

هرگز از آنجا فرار نکرده‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد باید

تلاش نمود تا محیط خانواده و اجتماعی به گونه ای بشود که دختران از نظر روانی فرار از خانواده را بعنوان راه حل برای رفع مشکلات خود انتخاب نکنند.

پیشنهادات:

پیشنهادات مورد نظر در دو بخش تقدیم می گردد امید است مورد توجه قرار گیرد.

الف: پیشگیری: به منظوری پیشگیری از فرار دختران

از خانه پیشنهاد می شود:

۱- آموزشهای لازم سریعاً برای والدین مهیا شود تا بدانند چه گونه با دختران جوان خود برخورد کنند و از نظر عاطفی آنها را مورد حمایت قرار دهند.

۲- دختران در مدارس و آموزشگاهها آموزش ببینند تا بتوانند مشکلات خود را بطور معقول حل کنند.

۳- سازمانهای غیردولتی در جهت حمایت و راهنمایی این دختران تشکیل و تقویت شوند.

۴- ضوابط و قوانینی در دستگاههای دولتی از جمله بهزیستی، آموزش و پرورش و دادگاهها حاکم شود تا با والدین و اعضاء مختلف خانواده به گونه ای برخورد شود تا کمتر موجبات فرار دختران از خانه فراهم شود.

۵- امکانات رفاهی، ورزشی و تفریحی مناسب برای این افراد فراهم شود.

ب: حمایت پس از فرار:

۱- در صورتیکه دختری تصمیم به فرار گرفت باید مراکزی جهت راهنمایی، نگهداری و حمایتهای لازم جهت این افراد مهیا باشد. تا فرار آنها موجب آسیبهایی بعدی آنها نشود.

۲- با کسانی که به حریم دختران تجاوز کنند یا کسانی که از این دختران سوءاستفاده کنند به شدت برخورد شود.

۳- دستگاهی مسئولیت بازگشت این دختران به خانواده را به عهده بگیرد و سعی شود زمینه بازگشت آنها فراهم شود.

منابع:

انجمن اولیاء و مربیان (۱۳۶۵). علل انحرافات اخلاقی و فرار نوجوانان دختر. کانون اصلاح و تربیت. تهران.

آئین نامه اجرایی مراکز حمایت و بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب دیده اجتماعی (ویژه) مربوط به طرح ایجاد مرکز حمایت بازپروری زنان.

زاد صومعه سرایی، طاهره (۱۳۷۹). بررسی زمینه های فرار دختران از خانه و ویژگی فردی، اجتماعی دختران. دانشگاه علامه طباطبائی (دانشکده علوم اجتماعی).

سعیدی، محمد (۱۳۷۳). بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

گزارش فعالیت خانه ریحانه از بدو تأسیس ۷۸/۷/۲۵ لغایت ۷۹/۹/۳۰ به بهزیستی استان تهران (۱۳۷۹).
 مظلومی، فهیمه (۱۳۷۳). بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. گزارش سمپوزیوم جایگاه تربیت. تهران.
 وفائی، شهره (۱۳۵۳). بررسی علل فرار دختران از خانه. پایان نامه کارشناسی دانشکده عالی خدمات اجتماعی.

صوفی، جمیله (۱۳۷۴). بررسی نیمرخ روانی دختران بی سرپرست در مراکز بازپروری بهزیستی استان تهران و دختران تحت سرپرستی والدین خود با تست MMPI دانشگاه آزاد اسلامی.
 علمی، شکوه السادات (۱۳۶۱). بررسی عوامل بزهکاری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران.

Byles, J. A. (1980). Adolescent girls in need of protection. Am. J. Orthopsychiatry, 50(2); 264-278.

پی نوشت ها:.....

- ۲-Reilly
- ۵-Byles
- ۶-Kapadia
- ۷-Arlene Stiffman



جدول یک - مشخصات موردهای پژوهشی به سال

| دامنه سن | | انحراف معیار | میانگین | سن آزمودنی‌ها |
|----------|------|--------------|---------|-------------------------------|
| ۵۰ | ۱۲/۵ | ۶/۵ | ۲۰/۷ | سن آزمودنی‌ها در زمان مصاحبه |
| ۴۹ | ۱۲/۵ | ۶/۴ | ۲۰/۴ | سن آنها در زمان پذیرش در مرکز |
| ۳۰ | ۱۲ | ۳/۱۷ | ۱۶/۰۷ | سن آنها در اولین فرار از خانه |

لازم به ذکر است که ۳۴ نفر از آزمودنیها (۴۵/۳) بین ۱۶ تا ۱۹ ساله بودند.